



عکس: جواد منتظری

در آستانه انتشار آلبوم های جدید خوانندگانی مثل بنیامین و چاوشی در فصل بهار، لور رفتن یکی از قطعات آلبوم جدید رضا صادقی سال ۸۸ را برای اهالی موسیقی پاپ از همان اول حاشیه ساز کرد

## مصائب آقای مشکی پوش!

مهدی معزی

«هیچ آلبومی در ایران مشخص نیست دقیقا چه زمانی وارد بازار می شود.» این نظر رضا صادقی است. البته شاید این حرف برای خواننده ای مثل رضا صادقی به حقیقت نزدیک باشد؛ چرا که او هیچ موقع در ژانر خوانندگی به عنوان متغیر مستقل وارد بازار موسیقی نشده! او متغیر وابسته ای بوده که از دار و دسته های بدون مجوز ناگهان به جمع مجوز دارها اضافه شد؛ با همان بند و تبصره هایی که فقط برای عده ای میسر می شود و آن افراد می شوند پدر خوانده آقای خواننده. اما این حرف رضا صادقی را با کمی بالا و پایین کردن می شود به تمام آثار موزیسین ها و خواننده ها هم تعمیم و بسط داد؛ اینکه خبر به بازار آمدن یک آلبوم موسیقی اصلا نمی تواند خبر قطعی و دقیقی باشد. گاهی شده که وعده به بازار آمدن یک آلبوم در ماهی از یک سال داده و خبر رسمی آن هم منتشر شده اما در کمال نابوری تا سال بعد، همان موقع هیچ خبری از به بازار آمدن آلبوم نیست. در این مطلب کوشیده ایم به جز بررسی موردی آلبوم تازه رضا صادقی و حکایت ها و حواشی مربوط به منتشر نشدن آن تا این لحظه به بقیه آلبوم هایی که قرار است در این فصل شروع سال ۸۸ منتشر بشوند هم پردازیم.

چند روز مانده بود به شروع جشنواره و حضور خوانندگان موسیقی پاپ در جشنواره بیست و چهارم کمرنگ تر از سال قبل به نظر می رسید. روشن روان دلیل اصلی آن را حضور تهیه کنندگانی می دانست که به فکر سوءاستفاده از خوانندگان هستند؛ بیان جملاتی که هیچ گاه از ذهن اهالی موسیقی فراموش نمی شود؛ «هنرمندان خودشان مایلند که در جشنواره شرکت کنند اما شرکتها و تهیه کنندگانی که مثل زالو به این خواننده ها چسبیده اند، اصلا اجازه این کار را به

آنها نمی دهند. این تهیه کنندگان به نوعی می خواهند از جشنواره یا

تبعید خواننده ها از سرزمین مادری همیشه منجر به نقل و انتقال جغرافیایی آنها نمی شود؛ چرا که دیگر دوره این جور کارها تمام شده و خواننده ها خوب می دانند که بازار کاسبی در خارج از ایران راکد است؛ اتفاقی که تجربه شده و البته جواب منفی داده. رضا صادقی هم بیش از ۲ سال است که از موسیقی پاپ ایران تبعید شده است. اما او گوشه استودیو را انتخاب کرده بود تا به دور از هیاهو به کار موسیقایی اش ادامه بدهد. اما سرانجام این طلسم ۲ ساله در جشنواره فجر سال گذشته شکسته شد؛ البته با چاشنی های فراوان!

فلاش بک: جشنواره فجر سال قبل؛ دومین سالی که قرار بود موسیقی پاپ در آن جایی داشته باشد.

دفتر موسیقی یا انجمن موسیقی سوءاستفاده کنند؛ مثلاً می گویند اگر این آقا بخواد در جشنواره بخواند، باید قبل از جشنواره، مجوز ۱۰ شب اجرا در فلان سالن را صادر کنید تا درآمدی کسب کنند. در واقع گروهی های عجیب و غریبی می کنند».

گروهی ها ادامه داشت. خبرهای ضد و نقیضی شنیده می شد؛ «اگر این روند برای احسان خواجه امیری و رضا صادقی ادامه داشته باشد، نه تنها مجوز کنسرت نمی گیرند بلکه مجوز آلبوم آنها هم منتفی است». عمر این شایعه به یک روز نرسیده بود که بابک رضایی - دبیر اجرایی جشنواره فجر - از اجرای کنسرت احسان خواجه امیری خبر داد؛ «ستاد برگزاری جشنواره جلسه ای با آقای خواجه امیری داشت و با خود آقای خواجه امیری قراردادی امضا شد و ایشان قطعا در جشنواره خواهند خواند». بعد از خواجه امیری هم نوبت رضا صادقی بود تا پای میز قرار داد بنشیند تا این ۲ نفر مدیر برنامه های مشترک خود را از گردونه مذاکره خارج کنند.

نزدیک به ۲ سال از آن روزی که آلبوم «وایسا دنیا» به بازار موسیقی راه پیدا کرد می گذرد؛ آلبومی که با استقبال خوبی هم همراه شد.

آلبوم خوب مقدمه ای است برای آماده سازی هر چه سریع تر آلبوم بعدی اما این قانون برای رضا صادقی صادق نبود؛ چرا که مجوزهای بعدی او امضا نشد. او نباید کلیپ های خود را به شبکه های ماهواره ای می داد.

البته توجه شرکت طرف قرارداد او برای توجیه پخش کلیپ ها این بود که این ۲ کلیپ مجوز ارشاد را گرفته و همراه با آلبوم «وایسا دنیا» به صورت مجاز منتشر شده و احتمالا

به دست این شبکه ها رسیده است اما مسئولان هیچ گاه این بهانه را نپذیرفتند؛ چرا که مجوز ارشاد برای انتشار نسخه VCD این کلیپ ها بوده اما کیفیت آنچه از شبکه های غیر مجاز پخش می شد، HD بود. پس این نسخه ها چگونه به دست این شبکه ها رسیده بود؟



## لهراسبی در ژانری جدید؟

علی لهراسبی حالا خواننده جا افتاده‌ای است که خیلی‌ها منتظر ورود آلبوم جدید او به بازار موسیقی هستند. اما انگار انتظار به سر رسیده و این اتفاق در همین فصل بهار می‌افتد؛ با آلبومی کاملاً متفاوت. وقتی علی لهراسبی تصمیم گرفت که وارد همکاری با افراد جدیدی شود، مشخص بود که می‌خواهد فضای کاری‌اش را عوض کند. در این آلبوم، اسم افرادی کنار نام او دیده می‌شود که پیش از این راه خود را می‌رفتند اما این بار با علی لهراسبی هم‌مسیر شده‌اند. لهراسبی درباره این آلبوم جدید می‌گوید: «به هر حال آلبومی متفاوت تر از قبل می‌خواهم. به شدت در حال ساخت و تنظیم قطعات آلبوم جدید هستیم. ۹ قطعه معلوم است؛ باید ۳ قطعه دیگر هم از کارهای انجام شده انتخاب کنیم تا ۱۲ قطعه به بازار بیاید». اما مبحث همکاری با افراد جدید؛ «مدیریت هنری این آلبوم به عهده بهروز صفاریان است اما به غیر از این، ۶ تنظیم هم دارد». و نفر بعد که خیلی تازه کار است؛ «محسن یگانه هم در این کار حضور دارد؛ حضوری که البته خیلی جدی است. او ۵ ترانه دارد که آنها را آهنگسازی هم کرده است که تنظیم این قطعات به عهده شهاب اکبری و بهروز صفاریان است». در ادامه هم دیگر نفرات را معرفی می‌کند: «البته در این کار رضا صادقی هم یک قطعه دارد که ترانه و آهنگسازی آن را خود به عهده داشته است؛ قطعه‌ای به نام مرگ برگ». بهروز صفاریان به یک جمله درباره این آلبوم بسنده کرد: «در کل آلبوم متفاوتی قرار است به بازار بیاید؛ هم از لحاظ تاثیر گذاری و هم احساسی که دارد». انگار فقط باید منتظر ماند!



## بعد از ۳ سال، بنیامین

برای اهالی موسیقی خرق عادت بود؛ بنیامین نامی در سال ۸۵ و با آلبوم «۸۵» به چهره اول موسیقی آن سال تبدیل شد؛ آهنگ‌هایی که تا آن زمان برای گوش‌های ما خیلی غریب به نظر می‌رسید اما این اتفاق افتاد تا رکورد فروش سال را برای خودش ثبت کند. چالش‌های بنیامین هم از همان هنگام شروع شد؛ مخالفت‌هایی که نه اجازه کنسرت را در این ۳ سال به او داد و نه مجوز آلبوم را. انگار قرار است بعد از ۳ سال اتفاق تازه‌ای برای او بیفتد؛ اتفاقی مهم برای موسیقی پاپ در سال ۸۸؛ آلبومی که برخلاف شایعات اسم آن «۶» نیست؛ آلبومی که هنوز قطعات آن از بین حدود ۳۰ انتخاب نهایی نشده است؛ آلبومی که اما باز هم اثر غافلگیرکننده بنیامین است؛ بنیامینی که قصد ندارد خودش را تکرار کند؛ به همین خاطر با وسواس خاصی مشغول انتخاب قطعات است. او که خودش آهنگسازی کار را بر عهده دارد، در این آلبوم پیام شمس را هم آورده است تا قطعات را تنظیم کند؛ قطعاتی که ترانه‌های آن متعلق است به رفیق قدیمی‌اش فرید احمدی. محسن رجب‌پور هم که تهیه‌کنندگی آلبوم او را بر عهده دارد، مثل همیشه سیاست مبهمی برای آلبومش اتخاذ کرده است. اول اعلام کرده بود که آخر اسفند ۸۷ ولی حالا انگار در این فصل باید این آلبوم را بشنویم.



مشکل آقای مشکی پوش ایران به ظاهر حل شده است. او بعد از اجرا در جشنواره فجر، در روزهای آخر سال ۸۷ هم کنسرت برگزار کرد تا این مساله را کاملاً تأیید کند؛ کنسرتی که البته باز هم به اجراهای قدیم او برمی‌گشت؛ چراکه آلبوم سوم و مجاز او راهی به بازار موسیقی پیدا نکرده بود. آلبومی که قرار بود در بهمن ماه بیاید، به خاطر آلبوم احسان خواجه امیری در اولویت بعدی قرار گرفت؛ به این دلیل که همیشه یک شرکت آلبوم احسان خواجه امیری و رضا صادقی را به بازار فرستاده است. بالطبع اتفاق خاصی نبود؛ حتی به زعم صادقی که علت هم برای همراهی کردن با این تأخیر آورده بود؛ «آلبوم جدیدم با عنوان «چقدر سخته» قرار بود بهمن ماه امسال عرضه شود اما به دلیل اضافه شدن ۳ قطعه جدید، در فصل بهار سال آینده وارد بازار می‌شود».

تأخیر عادی بود و البته علت داشت اما اینکه تهیه‌کننده این ۲ نفر یکی است، برای صادقی گران تمام شد؛ چراکه اصلی‌ترین قطعه آلبوم «چقدر سخته» در هفته‌های آخر اسفند ماه سال گذشته لو رفت؛ «چقدر سخته که عشقت روبه‌روت باشه، نتونی هم‌مدادش باشی / چقدر سخته که یک دنیا بها باشی، نتونی که رها باشی / چقدر سخته که بارونی بشی هر شب، نتونی آسمون باشی / چقدر سخته که زندونی بمونی بی‌در و دیوار، نتونی هم‌زبون باشی...» به غیر از این قطعه، یک قطعه دیگر هم از رضا صادقی در سایت‌ها منتشر شد با نام «روپای دریا» تا قطعات اینترنتی او در سال ۸۷ به عدد ۷ برسد اما هیچ‌کس پاسخگو نیست که چه جوری این اتفاق‌ها افتاده. ولی بدون شک بی‌ربط به ماجراهای قبلی نیست.

«هنوز تصمیم نگرفته‌ایم که اسم آلبوم را عوض کنیم.» این واکنش رضا صادقی بود نسبت به لو رفتن قطعه «چقدر سخته»؛ قطعه‌ای که اسم آلبوم هم بود و صادقی برای آن کلی فکر کرده بود؛ «موضوع این قطعه اصلاً شخصی نبود. چقدر سخته حاوی یک فضای اجتماعی است و شعر آن گویای مسائلی است که تحملش برای یک انسان سخت است و گفتن این موضوعات برای من اتفاق تازه‌ای بود. اول می‌خواستم نام آلبوم را «به تو مدیونم» بگذارم اما احساس کردم نمی‌تواند گویا باشد و چقدر سخته گویای فضایی است که ما آدم‌ها در روزمرگی‌هایمان تجربه‌هایی می‌کنیم و بعد از تحلیل آن تجربه‌ها به نتیجه می‌رسیم اما حالا با این شرایط نمی‌دانم چه اتفاقی می‌افتد! یا همین قطعه یا قطعه‌ای جدید؟»

صادقی ناراحت به نظر می‌رسید. ترجیح می‌داد در این رابطه زیاد صحبت نکند و امیدوار باشد به اینکه آلبوم در اواسط فصل بهار منتشر شود. او که بعد از آلبوم وایسا دنیا ۲ سال به تبعیدی خودخواسته از فضای رسانه‌های موسیقی رفته بود، درباره این دوری می‌گوید: «من ۲ سال فقط فکر می‌کردم. فکر می‌کردم که چه کاری باید ارائه کنم. به این هم نیندیشیدم که بازار را خوشحال کنم؛ می‌خواهم مردم را خوشحال کنم». او درباره فضای آلبوم جدید هم توضیح می‌دهد: «هم در نوع کلام و هم در نوع اجرا تغییراتی به وجود آمده؛ هرچند خط ملودی همان است ولی تنظیم، حالت خواندن و فضاها کمی تغییر کرده». تعداد قطعات زیاد این آلبوم هم بحث بعدی بود؛ «این کار از ۱۵ قطعه تشکیل می‌شود. شاید از همه قطعات استقبال نشود اما مطمئنم که «می‌خوام تو رو که باشی»، «مدیونم» و «شاهزاده عشق» مورد پسند مردم واقع می‌شود». صادقی با تأکید بر اینکه ۹۰ درصد ترانه‌ها را خودش گفته است، ادامه داد: «در این آلبوم از ترانه‌های اشکان رحیمی، هومن البرز و خانم مرجان زنگنه هم استفاده شده است». اما او واقعا همه کاره آلبومش است؛ «آهنگسازی تمامی قطعات را خودم انجام دادم به جز یک آهنگ که می‌خواستم تجربه جدیدی را کسب کنم. می‌توانم ملودی فرد دیگری را بخوانم و آن احساس را بیان کنم. برای اولین بار آهنگی از مهدی زنگنه گرفتم و امیدوارم توانسته باشم به درستی آن را ادا کنم».

## حمید عسگری و کما ۲

سخت می‌شد باور کرد. تا زمانی که آلبوم «کما» به بازار رسمی نیامده بود، کسی حمید عسگری را نمی‌شناخت. اصلاً او با شخص دیگری اشتباه شده بود اما با موج زیرزمینی آمد تا با همان آلبوم در بازار رسمی چهره‌های حقیقی پیدا کند؛ آلبومی که با چاشنی‌های فراوان تبلیغاتی و حاشیه‌های فروش خوبی کرد. ۲ سال از آن اتفاق می‌گذرد و انگار قرار است در همین فصل بهار آلبوم دوم حمید عسگری با اسم «کما ۲» برای عرضه آماده شود. علت انتخاب این اسم را هم باید از زبان حمید عسگری شنید؛ «ما به این نتیجه رسیدیم که کما ۲ اسم خوب و جالبی می‌شود. در آلبوم اول، قطعه‌ای به اسم کما نداشتیم اما فضای ترانه‌ها فضای شخصی است که نرسیدنش به عشق باعث شده که به کما برود. کما ۲ ادامه زندگی همان شخص است که ۲ سال از عمرش گذشته و حالا یک سری اتفاقات دیگر افتاده که هم در زندگی و هم در بیانش تأثیر گذاشته است». او درباره روند تغییرات این آلبوم هم توضیح داد: «از لحاظ ملودی‌ها و شعر تغییر چندانی نکرده‌ایم چون بالاخره وقتی مخاطب آلبوم مرا می‌خرد، توقع یک سبک خاص را دارد».



## آلبوم متفاوت چاوشی

نگاه‌ها متفاوت بود. یکی محسن چاوشی را با خودش می‌سنجید و قبول نمی‌کرد که آلبوم «یه شاخه نیلوفر» مال او باشد. یکی دیگر تعریف می‌کرد و می‌گفت که دیگر کارهای او کلام‌محور نیست و موسیقی‌محور هم شده. عده‌ای هم بودند که فضای غمگین کار را نمی‌پسندیدند. گروهی دیگر هم خلوت خود را با تلخی کار پسر می‌کردند اما از همه اینها که بگذریم، آلبوم یه شاخه نیلوفر اولین کار و البته مجاز محسن چاوشی به حساب می‌آمد. آلبوم اول هم همیشه به عنوان معرفی یک خواننده به عالم مجوز دارها به حساب می‌آید؛ بنابراین شاید معیار خوبی برای تشخیص ماهیت کار یک خواننده به حساب نیاید. محسن چاوشی قبول دارد که فضای غمگین آلبوم اول او کمی سنگین شده اما مشکلات را هم بی‌تأثیر نمی‌داند؛ «یک سری از قطعات مشکل پیدا کرد؛ قطعاتی که با خود شور و شغف به همراه می‌آورد». آلبوم دوم او که قرار است در اواخر بهار روانه بازار شود، تفاوت‌های ویژه‌ای به زعم چاوشی دارد؛ «فضای آلبوم بعدی اصلاً قدیمی نیست. اصلاً تکراری درون آن وجود ندارد. تلخی کار را هم با قطعه‌های شور و شغف دار پوشانده‌ایم».

